

پیوند فکری و روحی–عاطفی استاد مطهری با امام خمینی سبب شد او در نهضت امام خمینی فعال باشد و در سال ۱۳۴۲ دستگیری و زندانی شود. او همچنین یکی از چهار نفری بود که امام خمینی آن‌ها را برای راهنمایی فکری و فقهی گروه‌های مبارز اسلامی معرفی کردند. در سال ۱۳۴۲ آیت‌الله مطهری در کنار آیات سیدمحمد حسینی بهشتی، محی‌الدین انواری و احمد مولایی، به نمایندگی ازسوی امام خمینی و براری این راهنمایی فکری و فقهی انتخاب شدند. مطهری در سال ۱۳۴۶ همراه با گروهی، حسینیه ارشاد تهران را بنیان نهادند. حسینیه ارشاد با هدف روشنگری نسل جوان دربارهٔ معارف اسلامی تأسیس و نخستین جلسه رسمی آن در آغاز سال ۱۳۴۶ برگزار شد. هر روز گویندگان بیشتری به جمع سخنرانان آن افزوده می‌شدند و در این میان می‌توان از دکتر علی شریعتی نام برد که استاد مطهری در واقع معرف و دعوت‌کننده او به حسینیه ارشاد بود. ورود شریعتی به جمع اندیشمندان حسینیه ارشاد، روند روشنگری در آن شکل فعال‌تری به خود گرفت و به‌تدریج بحث‌های حسینیه حساس‌تر شد. استاد مطهری از وی که از برخی سنت‌های جامعه شدیداً انتقاد می کرد، خواست در صحبت‌های خود متعادل‌تر عمل کند و دستاویز در اختیار مخالفان قرار ندهد. اختلاف شریعتی و مطهری براساس مبانی و برداشت از اسلام بود. مطهری، شریعتی را یک جامعه‌شناس می‌دانست نه اسلام‌شناس؛ ازسوی دیگر، سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) علیه حسینیه، فعالیت و از این اختلافات سوء استفاده می کرد و آن را گسترش می داد. سرانجام اختلاف با ناصر میناچی یکی از اعضای هیئت امنا، موجب جداشدن استاد مطهری از حسینیه ارشاد در سال ۱۳۴۹ شد. روزهای فعالیت مطهری در این حسینیه، سخت‌ترین دوران حیات سیاسی و دینی او به‌شمار می‌رود. در اسفند ۱۳۳۷، امام خمینی در پاسخ به نامه‌ای از استاد مطهری، با آرزوی سلامت و توفیق او در خدمت به اسلام، از وی خواست با زبان شیرین خود به نجات جوانان از تباهی و گمراهی همت کند. ایشان در این نامه ضمن تأیید آثار فرستاده‌شده از مطهری، درباره اعتماد کامل به او و بی‌تأثیربودن نقل‌قول‌های احتمالی، به او اطمینان داد. یکی از اقدامات آیت‌الله مطهری در سال ۱۳۴۸، انتشار اعلامیه به همراه آیات سیدمحمدحسین طباطبایی و سیدابوالفضل زنجانی، برای آوارگان فلسطین و

### مقدمه

در ایامی که جمهوری اسلامی ایران در ماه مبارک رمضان مورد حمله نظامی دو دولت تئوریستی و یافی بین‌المللی آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفت که به شهادت افراد بی‌گناه اعم از مردان و زنان و کودکان، و نظامی منجر شد، انتظار می‌رفت دنیا اسلام، به ویژه تئور ناجوانمردانه جمعی از شخصیت‌های دینی، سیاسی و علمای اسلام در برابر این تجاوز آشکار و خلاف اصول اخلاقی، دینی، سیاسی و حقوق بین الملل به یکی از کشورهای اسلامی به صورت یکپارچه موضع بگیرد و به صریح‌ترین شکل آن را محکوم کند.
برغم این انتظار و حتی، بی‌بانه، موجب شگفتی مسلمانان و آزادگان جهان شد.
حمله متقابل ایران به پایگاه‌های دولت متجاوز آمریکا در کشورهای اسلامی را که براساس اصول مسلم «حق دفاع مشروع» و «مقابله به مثل» صورت گرفت، محکوم شد. این بی‌بانه، موجب شگفتی مسلمانان و آزادگان جهان شد.
صرف نظر از مخالفت این بیابنه با اصول مسلم دینی و اخلاقی، به علمای الزهر را متذکر می‌شویم بر مواضع فقیهان امامیه پس از جنگ جهانی اول و دوم در دفاع از حمله بی‌بانه به کشورهای اسلامی، فارغ از مرام و مذهب بروی نمایند شاید موجب تنبه و شرمساری، و جبران این خطای آشکار شود.
فتواهای علمای امامیه نشان می‌دهد که در نگاه آنان، همه مسلمانان «اعضای یک امت» و همه سرزمین‌های اسلامی، «اجزاء یک پیکر واحد»ند که به هنگام هجوم کفار و مشرکان اختلافات را کنار گذاشته و در برابر دشمنان عنود اسلام و مسلمانان ید واحد می‌شوند.

**جهاد با دولتهای متجاوز در جنگ جهانی اول**
با آغاز جنگ جهانی اول دولتهای متجاوز اروپایی، کشور اسلامی عثمانی را مورد حمله قرار داده و شهرهای ایران و عراق مورد تاخت و تاز متجاوزان قرار گرفتند. در این مقطع فقهای شیعه و علمای اهل سنت با صدور فتاوی جهاد و دفاع در برابر متجاوزان مردم را با وظایف دینی‌شان آشنا کردند. سید محمدکاظم یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید اسمعیل صدر، سید مصطفی کاشانی، محمد علی نججویانی، سید علی تبریزی، مهدی خراسانی، شیخ جواد نجعل صاحب جواهر، سید مصطفی نججویانی، ایروانی، محمد سعید ژوبلی، محمد حسین مازندرانی، علی بن شیخ، مهدی آل سید حیدر حسینی حسینی، عبدالحسین اسدالله، سید حسن صدر الدین، ابراهیم سلماسی کاشانی، راضی آل مرحوم شیخ عزیز، محمد مهدی، محمد امین آل مرحوم شیخ اسدالله، میرزا محمد تقی شیرازی، با فتاوایی به مراتب دینی و تاریخی خود عمل کردند. در این فتاوا غالباً دفاع از بلاد اسلامی، جان و مال مسلمانان، از ضروریات دینی و متکر آن ذرا جدا شده است.(۱)

از میان دهها فتوا تنها به نقل فتوای دو تن از فقهای نامدار اشاره می‌کنم که حاوی نکات مهمی هستند.

سید محمدکاظم طباطبائی یزدی: «بوشید نامه که دول اروپا بخصوص انگلیس و روس و فرانسه، همیشه از قدیم الایام بر ممالک اسلامیّه تعدی و تجاوز می‌نموده چنانچه اکثر ممالک اسلام را غصب نموده‌اند و از این تعدیات به جز محو دین العیاذ بالله مقصدی ندارند. تا در این اوقات مقاصد خود را ظاهر نموده بر ممالک دولت علینه عثمانیه [عزله] بمصرضا (اسلام) هجوم نموده و نزدیک است دست تعدی دراز و بر حرمین شریفین و مشاهد ائمه طاهرین تهاجر و اوطان اسلامیان و نفوس و اعراض و اموال آنها تغلب نمایند. پس واجب است بر عشاریا قاطنین نفور و عموم مسلمین متمکنین. اگر در حدود من به الکفایه نباشد، حفظ حدود خود و دفاع از بینه اسلام مقدار قدرت خود نمایند والله هو الناصر و المؤمن و المؤید للمسلمین» (۲)

نکنه حایز اهمیت در این فتوا، حمایت قاطع یک فقیه برجسته شیعی از دولت سنی عثمانی است که مرکزیت بلاد اسلامی را بر عهده دارد و از سوی بیگانگان مورد تهاجر قرار گرفته است.

شیخ الشریعه اصفهانی: «هالی مذاهب امروعه مسلمین

امروزه مشربان است در فرقه سنی و امامیه و امامعلیه و

زیدییه و وهابیه و خواجه، و فرقه علمای جمیع این مذاهب

انتقاف و اجماع دارند که با هجوم کفار بر بلاد اسلامی و

اشتغال به قتل رجال و نهب اموال و بلند کردن کلمه کفر

و پست نمون کلمه اسلام، بر هر مسلم قادری لازم است

جمع آوری کمک مالی برای آنان بود. او در تماس‌های خود با مراجع تقلید مشهد و قم، آنان را به اقدامات مؤثر در این زمینه ترغیب می کرد. وی همچنین در سال‌های ۱۳۵۱–۱۳۵۳ در مساجد کرد و جاوید تهران سخنرانی می کرد و از آنجاکه چاپ و انتشار سخنرانی‌های او در جامعه موج ایجاد می کرد، در سال ۱۳۵۴ ازسوی رژیم پهلوی از سخنرانی و منبر ممنوع شد. وی در سال ۱۳۵۵ و در پی درگیری با یکی از استادانکمیست دانشکده الهیات، زودتر از موعد، خود را بازنشسته کرد و در این سال موفق شد به نجف اشرف مسافرت کند و در دیدار با امام خمینی درباره مسائل مهم نهضت و حوزه‌های علمیه با ایشان مشورت کند. استاد مطهری در سال‌های پایانی دهه پنجاه بر آن شد به صورت مرتب به قم سفر کند و با شروع بحث‌های پرمحتوا برای طلاب درس‌خوانده‌تر و فاضل‌تر، حرکتی را در راه غنای فکری حوزه دنبال کند. وی بدین هدف در سال‌های ۵۵ و ۵۶ هر هفته به قم می‌رفت و در دو جلسه جداگانه به تدریس فلسفه و معارف قرآن می‌پرداخت.

پس از درگذشت مشکوک آیت‌الله سیدمصطفی خمینی در اول آبان ۱۳۵۶ و آغاز دوره جدید نهضت اسلامی، مطهری به‌طور تمام‌وقت در خدمت نهضت قرار گرفت. وی در تدارک برگزاری مجلس ترحیم در مسجد ارک تهران که با حضور روحانیان مبارز، دانشگاهیان و روشنفکران برجسته مسلمان برگزار شد، نقش اساسی داشت.

سال‌ها انس با امام خمینی از استاد مطهری مریدی ساخته بود که از اعماق وجود به ایشان ارادت می‌ورزید. وی امام خمینی را حسنه‌ای از جانب خدا می‌دانست و پیش از همه شخصیت، عظمت روحی و قابلیت فوق‌العاده ایشان را درک کرده بود. او امام خمینی را روح قدسی الهی، جان جانان، قهرمان قهرمانان و نور چشم و عزیز و روح ملت ایران نامید و تأکید کرد شخصیت گم‌شده خود را در ایشان یافته است. همچنین در وصف درس اخلاقی امام خمینی، این درس را درس معارف و سیر و سلوک شمرد که او را

## حوزه دوره سوم – ۷۲۶

# حیات سیاسی استاد شهید مطهری



سرمدستی می‌کرده است به گونه‌ای که تا جلسه بعدی درس، شدیداً تحت‌تأثیر این درس اخلاقی بوده است. وی تأکید کرد بخش مهمی از شخصیتش در دوازده سال حضورش در درس‌های امام خمینی شکل گرفته

نمودند. متن استفتاء و برخی پاسخ‌ها را جهت استحضار خوانندگان گرامی نقل می‌کنم.
**متن استفتاء**
«بِسْمِالله الرحمن الرحیم. چه می‌فرمایید علماء دین و مبیین احکام شریعت مرسلین علیه صلوات ربِّ العالمین در این مسئله شرعیه که امروزه دول سبعه کفار که روس و انگلیز و فرانسه و ژاپون و بلجیک (بلژیک) و صرب و قره طاغ (موتنه نگر) باشند، به دولت علیه اسلامیّه عثمانیبه اعلان حرب نموده و از هر طرف بجزآ و با قدرت و ممالک اسلامی هجوم کرده و مشغول نهب اموال و قتل رجال و سبسی نساء و انهدام بلاد مسلمین می‌باشند، آیا تکلیف عموم مسلمانان از هر مذهب و ملت و براینقه که باشند، دفاع از بلاد اسلامیّه و قتال و جدال با آن‌هاست یا خیر؟…»

علمای فراوانی مانند سیدمحمد کاظم طباطبائی یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید مصطفی کاشانی، محمد حسین مازندرانی، سید علی تبریزی و بسیاری دیگر پاسخ دادند. سید مصطفی حسینی کاشانی در پاسخ نوشت: «بله، در صورتی که بیضه اسلام در خطر است، وجوب دفاع از ضروریات دین مقدس اسلام علی الصداحه به السلام است. پس بر هر مسلمانی از هر مذهب و ملت که باشد، واجب است به قدر مقدور به جان و مال و قلم و لسان در حفظ بیضه اسلام بکوشد و ترک آن نسا قدرت و استطاعت حرام است، بلکه دور از اسلامیت است و البته هیچ مسلمانن کوتاهی نخواهد کرد و به عون‌الله تعالی مسلمانان مظفر و منصور خواهند بود. قال الله: قاتلوهم بیدههم.لا یایدیکم و یخزهم و یمانندت جهاد بدر و حنین صلوات قوم مؤمنین» (توبه ۱۴)

وی به هنگامه درگیری کشورهای مختلف در جنگ جهانی اول، نامه چالسی هم در اتحاد و انتقاف کلمه مسلمانان دارد که ذیال نقل می‌شود: «بِسْمِالله الرحمن الرحیم. خدمت عموم برادران از اهل ایمان و کافه مسلمانان وفقهمالله لنصره الدین! بعد از سلام مخصوص عرضه می‌دارد بدیهی است بهترین عوطاطقی که یگانه داعی قلبی و محرّک باطنی افراد عائله اسلامیت و هر فردی از افراد مسلمانان مکلف مجبور است که محض تحصیل سعادت دارین و فیض نشأنتین حرکات و اعمال خود را طبق آن قرار داده و هیچ وقت تخلف و تجاوز از آن ننماید، همانا عاطفه قومبه دین مبین اسلام علی میلهه السلام است که جامع بهترین قوانین اجتماعیه و کافل مهم‌ترین قواعد سیاسیّه و اقتصادیه است. او همیشه یک ندای رسا تمام مدتدینین به خود را به اتحاد و انتقاف و ترک و شقاق دعوت کرده و به فرمان واجب الاذعان فتوای آخوند خراسانی، مازندرانی و شریعت اصفهانی:

«ای مسلمانان! شما باید بدانید که بنابر اجماع مسلمانان لزوم مذهبی، جهاد بر ضد کافران واجب است. اکنون ارشش ایلتای طرابلس را اشغال کرده، مناطق مسکونی آن را از میان برده و، مردان، زنان و کودکان آن را به قتل رسانده است. وظیفه جهاد خود را در راه خدا انجام دهید و متحد گردید و از صرف ثروت خود دریغ نورزید. پیش از آن که خیلی دیر شود، خود را برای دفاع آماده کنید.» (مجله العلم، ش ۲، ص ۲۴۶)

سیدمحمد کاظم طباطبائی یزدی هم فتوای ذیل را صادر کرد: «بِسْمِالله الرحمن الرحیم. در این ایام که نول اروپایی مانند ایتالیا به طرابلس غرب حمله نموده و از طرفی روس‌ها شمال ایران را با قوای خود اشغال کرده اند، انگلیس‌ها نیز نیروهای خود را در جنوب ایران پیاده کرده اند، و اسلام را در معرض خطر نابودی قرار داده اند، فتوای آخوند خراسانی، مازندرانی و شریعت اصفهانی:

«ای مسلمانان! شما باید بدانید که بنابر اجماع مسلمانان لزوم مذهبی، جهاد بر ضد کافران واجب است. اکنون ارشش ایلتای طرابلس را اشغال کرده، مناطق مسکونی آن را از میان برده و، مردان، زنان و کودکان آن را به قتل رسانده است. وظیفه جهاد خود را در راه خدا انجام دهید و متحد گردید و از صرف ثروت خود دریغ نورزید. پیش از آن که خیلی دیر شود، خود را برای دفاع آماده کنید.» (مجله العلم، ش ۲، ص ۲۴۶)

سیدمحمد کاظم طباطبائی یزدی هم فتوای ذیل را صادر کرد: «بِسْمِالله الرحمن الرحیم. در این ایام که نول اروپایی مانند ایتالیا به طرابلس غرب حمله نموده و از طرفی روس‌ها شمال ایران را با قوای خود اشغال کرده اند، انگلیس‌ها نیز نیروهای خود را در جنوب ایران پیاده کرده اند، و اسلام را در معرض خطر نابودی قرار داده اند، فتوای آخوند خراسانی، مازندرانی و شریعت اصفهانی:

«ای مسلمانان! شما باید بدانید که بنابر اجماع مسلمانان لزوم مذهبی، جهاد بر ضد کافران واجب است. اکنون ارشش ایلتای طرابلس را اشغال کرده، مناطق مسکونی آن را از میان برده و، مردان، زنان و کودکان آن را به قتل رسانده است. وظیفه جهاد خود را در راه خدا انجام دهید و متحد گردید و از صرف ثروت خود دریغ نورزید. پیش از آن که خیلی دیر شود، خود را برای دفاع آماده کنید.» (مجله العلم، ش ۲، ص ۲۴۶)

سرمدستی می‌کرده است به گونه‌ای که تا جلسه بعدی درس، شدیداً تحت‌تأثیر این درس اخلاقی بوده است. وی تأکید کرد بخش مهمی از شخصیتش در دوازده سال حضورش در درس‌های امام خمینی شکل گرفته

دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ – شماره ۱۳۳۴۹ – سال چهل و هفتم

از ایشان، به مرحله اجرا درمی‌آورد.

امام خمینی در برخی تصمیم‌گیری‌های مربوط به انقلاب با استاد مطهری مشورت و آنچه را لازم بود، از طریق وی به مبارزان اعلام می کرد. استاد مطهری در ۱۳۵۷/۱۰/۲۹ از تصمیم امام خمینی برای بازگشت به ایران باخبر شد. او که ریاست کمیته استقبال از امام خمینی را بر عهده داشت، نخستین کسی بود که در مدرسه رفاه، محل استقرار این کمیته سخنرانی کرد. پس از بسته‌شدن فرودگاه و مانعیت دولت شاپور بختیار از ورود امام خمینی به کشور، علما، روحانیون و مدرسان حوزه‌ها در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند. در این تحصن، استاد مطهری به نمایندگی از علما اعلام کرد آنان تا وقتی که امام خمینی وارد ایران نشود، به تحصن خود ادامه می‌دهند.

پس از بازگشت امام خمینی به ایران شهید مطهری به‌رغم شغله زیاد، با گروه سرپرستی اداره هیئت خمینی، که در آن شرایط اهمیت ویژه‌ای داشت نیز همکاری می کرد. او همچنین با سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های تلویزیونی پس از پیروزی، تلاش کرد نظام جمهوری اسلامی مورد نظر امام خمینی را به مردم معرفی کند و به ابهامات مطرح‌شده ازسوی گروه‌ها و روشنفکران پاسخ بگوید.

استاد مطهری که از پیش از پیروزی انقلاب، در برابر نشر افکار انحرافی در جامعه اسلامی به‌ویژه تفسیرهای مادی که گروه فرقان از دین داشتند، حساس بود، در مقدمه چاپ هشتم کتاب علل گرایش به مادی‌گری با عنوان «ماتریالیسم در ایران» بحثی روشنگرانه دراین‌باره نوشت. این مقاله با هدف افشای نقشه‌های جدید ماتریالیست‌ها در ایران نوشته شد و در آن توطئه ماتریالیست‌خواندن برخی عرفای تاریخ اسلام و از آن مهم‌تر ارائه تفسیری مادی از قرآن به قلم برخی گروه‌ها و افراد چپ یا چپ‌بزه مخصوصاً گروه فرقان آشکار و خنتی شد. وی که آثار گروه فرقان را با دقت کامل مطالعه می‌کرد، در پاسخ به دوستان خود که می‌گفتند چرا وقت خود را صرف تفسیر اکبر گودرزی (رئیس گروه فرقان) می‌کنند، اندیشه‌ها و تأثری که برای جوان‌ها می‌گذارد را مهم دانست نه اشتخاص را. او به دلیل ایجاد شبهه این نوشته‌ها در ذهن جوانان، خود را مؤظف به باسخت‌گویی می‌دانست و سرانجام به نیز به دست همین گروه در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ به شهادت رسید.

مسلمین عموماً و نسبت به عرب خصوصاً به ظلم و ستم دست زده، فلسطین را از ایشان به زور گرفته و به یهود بخشیده، و با اسلحه و پول آن‌ها را کمک و تقویت کرده است. از مثل شما دولت مسلمانی شایسته نیست که به

قرارداده و مخصوصاً قراردادهای نظامی آمریکا تن دهد. آمریکا از سران استعمار است و جز ننگ و نیستی و پستی و بیچارگی برای ملت‌ها هدیه‌ای ندارد.»

**دفاع یکسان از دولت شیعه ایران و دولت سنی عثمانی**

پس از پیروزی نهضت مشروطه در ایران، روس و انگلیس در رقابتی منفعت طلبانه، شمال و جنوب ایران را مورد تاخت و تاز قرار دادند. فقیهان امامیه به منظور مقابله با تجاوز بیگانه به سرزمین اسلامی ایران اقدامات فراوانی انجام دادند. از تحریم کالاهای بیگانگان و حمایت از کالاهای ایرانی، درخواست اکید از اولیای امور ایران مبنی بر تشکیل ارتش ملی، دعوت مردم به اتحاد واتیاق، نهی اولیای امور از اختلاف و رقابت در قدرت، دعوت از ایلات و عشایر برای دفاع از کشور، و…

به عنوان نمونه آخوند ملا محمد کاظم خراسانی از علمای طراز اول حوزه علمیه نجف اشرف در روزهای آخر ماه شوال ۱۳۲۸، با ارسال تلگراف‌هایی به علمای دیگر مانند شیخ محمد تقی شیرازی و سید اسماعیل صدر اعلام کرد که «خطر ایران شدید، وقت مفیق، بیضه اسلام در سُرف ذهاب، مسامحه موجب حسرت و ندامت» و خواستار اعلام نظر آنان شد. به فاصله چند روز، در تاریخ اول ذیحجه ۱۳۲۸ق، بیانیه‌ای از طرف علمای نجف اشرف، آخوند خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی، شیخ الشریعه اصفهانی، علمای کربلائی معلّی، سید اسماعیل صدر، حاج آقا نورالله اصفهانی، شیخ حسین مازندرانی و شیخ العراقین؛ و علمای سامرا، میرزا محمد تقی شیرازی صادر شد. این اعلامیه اختلاف مسلمانان را موجب ضعف و سستی آنان و سلطه بیگانگان بر ممالک اسلامی دانسته، از انتقاف کلمه علمای شیعه و سنی در دفاع از استقلال دو دولت ایران و عثمانی خبر دادند.

اینک متن بیانیه: «بِسْمِالله الرحمن الرحیم و الصلاه و السلام علی محمد خاتم النبیین و صجه المُنْتَجَبین».

از آنجایی که مشاهده نمودیم که اختلاف قرقه‌های پنجگانه اسلامی در غیر آنچه تعلق به اصول دیانت دارد و شقاق در مابین طبقات مسلمین، عهده سبب بزرگ ضعف دول اسلامی و سلطت ناشایسته بر ممالک ترک و آنها گردیده، پس به جهت محافظت بر کلمه جامعه دینیّه و مدافعه نمودن از شریعت شریفهٔ محیده(ص) متفق گردیده، آراء مجتهدین عظام از رؤسای شیعهٔ معرفیه بر علمای کرام اهل سنتّسن از فقیمین ادولّسهایی بنهاد بر وجوب جنگ زدن به رسته اسلام، چنانچه خداوند متعال در کتاب مجید خود امر فرموده: و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا، و وجوب اتحاد کافه مسلمین در حفظ بیضه اسلام و نگاه داشتن ممالک اسلامیّه عثمانی و ایران از تشتّبات دول اجنبیه و هجوم آوران سلطنت‌های خارجه و متحد گردیدن رأی تمامی ماها بر محافظت حوزه اسلامیّه که بذل تمام قوا و نفوذ خود را در آن بنماییم، و مضایقه نکنیم از هر اقدامی که مقضای اتحاد باشد، درحالی که تمام امیلولاری ما به کمال افتخار باین دولتین علّیتین اسلامیّین، و رعایت هر کدام از حفظ استقلال دولت خود و حمایت حمایت کنندهای مملکت خود و محافظت بر نفون آن از مداخلات اجانب و این که پیروی کنند آنچه در خداوند متعال در کتاب عزیز خود فرموده است: اشدّاء علی الکفار، رحماء بینهم.

و یادآوری می‌نماییم عامّه مسلمین را از عقد برادری و اخوتی که خداوند متعال بین مؤمنین بسته است و اعلام می‌نماییم آنها را به وجوب توری و انتحاب از چیزهایی که باعث شقاق و تفاق می‌شود و این که بذل جهد در حفظ نواحیس است؛ و معاونت و همدستی به واسطخ حسن مواظبت بر اتفاق کلمه نمایند تا آن که بیرق شریفهٔ محمدیه محفوظ مانده و مقامات دولّتین علّیتین عثمانیه و ایرانیه محفوظ بماند. ادام‌الله شوکتهمما بمحمد (ص) و آله و اصحابه خیر البریه.

- ↑ همان، صص ۲۷۹ و ۲۸۰.
- ↑ همان، صص ۲۹۵ و ۲۹۶.
- ↑ همان، صص ۲۹۸ و ۲۹۹.

<sup>[1]</sup> دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ – شماره ۱۳۳۴۹ – سال چهل و هفتم

<sup>[2]</sup> دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ – شماره ۱۳۳۴۹ – سال چهل و هفتم